

روزگاری



ایمان عظیمی

خبرنگار گروه فرهنگ

چهل و یکمین جشنواره فیلم کوتاه تهران با نمایش آثار خود در بخش‌های مختلف این فستیوال به کارش در هوای سرد این روزهای تهران پایان داد و منتخبانش را شناخت. تنوع ژانری خوب در میان فیلم‌های بخش داستانی و تبحر بسیاری از کارگردانان نسبت به شناخت این فضا را می‌توان بخشی از نکات مثبت جشنواره فیلم کوتاه تهران برشمرد ولی نحوه برگزاری این فستیوال با انتخاب پردیس سینمایی ملت به عنوان محل برگزاری جشنواره جای سوال دارد. در این گزارش قصد داریم علاوه بر معرفی فیلم‌های شاخص به کیفیت میزبانی این رویداد بپردازیم و نکات مثبت و منفی آن را احصا کنیم.

از راه پردیس سینمایی ملت به بهشت نمی‌رسی

از همان موقع که شنیدیم پردیس سینمایی ملت را به عنوان میزبان چهل و یکمین جشنواره فیلم کوتاه تهران انتخاب کرده‌اند حسایی ناامید شدیم؛ انگار یک تشت آب سرد روی سر آدم بریزند و او را متحیر کنند. این سینما در یکی از شلوغ‌ترین و پررفت‌وآمدترین مناطق تهران قرار دارد و از دسترسی خوبی هم برخوردار نیست و حضور در جشنواره را برای مدعوین، اصحاب رسانه، منتقدان و مخاطبان پیگیر آثار موجود در جشنواره سخت می‌کند. پردیس ملت نه همچون پردیس چارسو به خاطر وجود خطوط تاکسی، اتوبوس و مترو دسترسی مناسبی به اکثر نقاط شهر دارد و نه مانند ایران‌مال ظرفیت لازم جهت پذیرش مخاطبان به سالن‌ها را. اگر شما بخواهید با وسیله نقلیه شخصی به سینما ملت بروید با معضل ظرفیت پارکینگ این مجموعه روبه‌رو می‌شوید. حال اگر وسیله شخصی نداشته باشید رفتن شما به سینما ملت با هزار اما و اگر مواجه می‌شود. حتی تاکسی‌های اینترنتی هم برای قبول کردن سفر شما از مبدأ این سینما با مشکل ترافیک و عدم اجازه نگهبان ورودی مجموعه روبه‌رویند و درخواست مسافرا را به سختی قبول می‌کنند. از اینها گذشته جمعیت زیادی که برای تماشای آثار در بخش‌های گوناگون به محل برگزاری جشنواره آمده بودند در فضای تنگ و خفه‌کننده راهروهای پردیس ملت گیر می‌افتادند و به سختی می‌توانستند راهشان را پیدا کنند. عرض راهروها کم است و برای میزبانی از رویدادی به این میزان از اهمیت که مورد تأیید آکادمی اسکار هم هست به هیچ‌وجه انتخاب مناسبی نیست. شاید یکی از دلایل مسئولان جشنواره فیلم کوتاه تهران در انتخاب پردیس ملت را بتوان انگیزه زیاد آنها برای به چشم آمدن جمعیت و پروونت نشان دادن این رخداد از طرف مخاطبان هدف فیلم‌های کوتاه دانست. درواقع

حضور فیلم اولی‌های باکیفیت در جشنواره فیلم کوتاه تهران قابل توجه بود

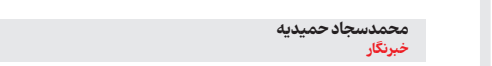
آینده سینما اینجاست، خوب نگاه کنید



چندان متفاوتی از یک‌دیگر ساخته نمی‌شدند. یاد محیطی بیرون از سینمای ژانر و در درون قالب آثار اکسپریمنتال دسته‌بندی می‌شدند که تماشای آنها در برخی موارد صبر ایوب می‌طلبید با همچون قاطبه ملودرام‌های سینمای بلند ما به فضای درون آپارتمان‌ها و سیاهی‌های جاری در فیلم‌های به‌ظاهر اجتماعی تعلق داشتند که باز هم دیدن لحظات آنها مخاطب را از کرده خود، یعنی حضور در جشنواره پیشیمان می‌کرد ولی لحن اکثر آثار در این دوره جشنواره فیلم‌کوتاه تهران از سیاهی جاری در دوره‌های پیشین فاصله گرفته بود و طراوت و شادابی کم‌نظیری داشت. بروز این اتفاق خوشایند در نتیجه خواست و تمایل مسئولان امر از دبیر جشنواره گرفته تا انجمن سینمای جوانان ایران به بار نشست و مخاطبان را با فراغ بال بیشتری به سمت سالن‌های سینما کشاند. آثار انکار شده در بخش داستانی جشنواره سوی کیفیت شان در ژانرهای ملودرام، جنایی، فانتزی، کمدی، نوآر و… به نمایش درآمدند و جایی برای طرح کلیشه‌های پیشین به‌جا نگذاشتند. امیران حدود ۹۰ میلیون نفر جمعیت دارد که فقط چند میلیون نفر آن در تهران زندگی می‌کنند و از میان آنها نیز تنها بخش کوچکی بومی این شهرند پس سینما به عنوان اجتماعی‌ترین مدیوم هنری و صنعتی باید بتواند زیست مردم ایران را در هرکجای این جغرافیا که حضور دارند به مخاطب عرضه کند و حداقل تلاشش را در بازنمایی خرده‌فرهنگ‌های ایرانی به نقطه قابل قبولی برساند. اگر یک ایرانی در طول فصول مختلف اکران خودش را در آینه سینما نمی‌بیند حداقل جشنواره‌ها باید این فاصله و شکاف را به سهم خویش به حداقل برسانند و موقعیت را برای نمایش فیلم‌ها از جای جای کشور مهیا کنند. خوشبختانه جشنواره فیلم‌کوتاه تهران در این دوره تأکید ویژه‌ای روی برطرف کردن این معضل داشت و به‌گفته مهدی آذرپندار، حضور فیلم‌سازان از شهرهای دیگر در جشنواره فیلم‌کوتاه تهران با ۲۰ درصد رشد نسبت به سال‌های پیش به ۵۰ درصد رسیده بود که دلیل آن را می‌توان به حمایت انجمن سینمای جوان از آثار ساخته‌شده در شهرستان‌ها خلاصه کرد. زیرا ۷۰ درصد بودجه این انجمن در طی سه سال اخیر به استان‌ها اختصاص پیدا کرده است. این اتفاق خوشایندی است که امیدواریم کماکان ادامه پیدا کند و فیلم‌ها در حصار جغرافیای تهران محصور باقی‌نمانند و مخاطب ایرانی هم بتواند سهمی ولو ناچیز از محصولات آن داشته باشد. خوشبختانه سینمای ما در حوزه فیلم‌کوتاه شرایط به مراتب مناسب‌تری را در مقایسه با سینمای بلند داستانی تجربه می‌کند و آثار این دوره از جشنواره فیلم‌کوتاه تهران نظیر «گزنه» (علیرضا آقامحمدی)، «اهلی» (نیما عبدالعظیمی)، «چولیبولی» (مانا پاک‌سرشت)، «سیزده سالگی» (محمد اسفندیاری)، «دروود پاریس» (محمدابراهیم شهبازی)، «تجربه» (صبح گوپلی) و… گواهی بر این مسئله‌اند.

نقد فیلم کوتاه «پرتقالی از یاقا»

پرتقال دوستی



محمدمسجد حمیدیه

خبرنگار

بالاخره جشنواره در روزی‌پایانی خود، بهترین فیلمش را نشانمان داد! «پرتقالی از یاقا، شاهکاری از محمدالمقتی، فیلم‌ساز جوان اهل غزه است. المقتی هم فیلم‌نامه اثر را نوشته و هم آن را کارگردانی کرده است و باید گفت که پرتقالی از یاقا، دقیق‌ترین فیلم‌نامه و کارگردانی را در بین تمام آثار بخش بین‌الملل جشنواره دارد. فیلم حتی برای لحظه‌ای، حسی که می‌خواهد منتقل کند را مخدوش نمی‌کند و یک کل منسجم را ارائه می‌دهد؛ دقیقاً همان کاری که یک اثر هنری باید انجام دهد.

پرتقالی از یاقا، داستان جوانی است که می‌خواهد از ایست و بازرسی‌های اسرائیلی عبور کند تا پیش مادرش در حزمزآب برود. فیلم با نشان دادن تماس‌های متعدد بین پسر و مادر، عجله پسر برای عبور از ایست و بازرسی را به تماشاگر منتقل می‌کند. بعد از آنکه سربازان اسرائیلی اجازه عبور از یک ایست و بازرسی را به پسر نمی‌دهند، او تلاش می‌کند تا تاکسی‌ای پیدا کند و شانس خود را از یک ایست و بازرسی دیگر امتحان کند. بعد از آنکه چند تاکسی درخواست او را نمی‌پذیرند چون «دنبال دزد سر نمی‌گردند»، یک راننده درخواست او را می‌پذیرد. در همان اولین دیالوگ‌ها، فیلم‌ساز شروع به شخصیت‌پردازی راننده می‌کند و او را با دیگر رانندگان متفاوت می‌کند. فیلم یک دلیل عجله نیز به راننده می‌دهد؛ داشتن مسافری مهم در اورشلیم که باید او را در ساعتی مشخص سوار کند. چنین پرداختی در افتتاحیه اثر، نشان از شناخت دقیق فیلم‌ساز نسبت به ساختار فیلم‌نامه

دارد. با چنین پرداختی تکلیف بیننده آرا کاراکترها، نیاز و هدف آنها و نیز موانع بر سر راهشان مشخص است. همچنین فیلم‌ساز با نوع پرداختش، این حس را به ما منتقل می‌کند که این دو حتماً در ایست و بازرسی به مشکل خواهند خورد؛ لذا با تعلق‌غالی که شکل می‌گیرد، تمرکز بیننده از سؤال «چه اتفاقی خواهد افتاد؟» به چگونگی رخدادها تغییر می‌کند. بعد از نقطه عطف ورود داستان به بدنه اصلی اش، همراه با پیشروی وقایع و بالا رفتن تنش، شناخت مناسبت به کاراکترها نیز عمیق‌تر می‌شود. برای مثال، درباره بیماری راننده و وضعیت شغل و خانواده‌اش اطلاعاتی به دست می‌آوریم که ما را با او صمیمی‌تر می‌کند. همچنین می‌فهمیم که پسر قرار است برای ازدواج، همراه مادرش به دیدن دختری اهل یافا برود. یکی از نکات مثبت پرتقالی از یاقا، آن است که خودش به صورت مستقل می‌تواند نفرت بیننده نسبت به سربازان اسرائیلی را شکل دهد و نیازی به کمک‌گرفتن از جهان بیرون اثر ندارد. فیلم‌ساز حتی در ساخت این نفرت نیز حد را نگه می‌دارد و تصویری کاریکاتوری از اسرائیلی‌ها نشان نمی‌دهد. این امر باعث می‌شود فیلم هرچه پیشتر از کلیشه‌ها فاصله بگیرد و بیننده از تماشای فیلم زده نشود.

از بهترین بخش‌های فیلم، دعوی پسر و راننده است. شاهکار است که ما در هیچ لحظه‌ای از این دعوا، یکی از این دو را مقصر وضعیت نمی‌دانیم. فیلم در این بخش روی یک خط بسیار باریک حرکت می‌کند که اندکی اشتباه می‌توانست ضربه‌ای جبران ناپذیر به آن وارد کند. ممکن بود در هر لحظه ما پسر را بابت به درد سر انداختن راننده یا راننده را بابت

دقت نکردن در پس‌گرفتن کارت اقامتی سرزنش کنیم؛ اما کارگردانی و شخصیت‌پردازی دقیق فیلم باعث می‌شود در تمام این مدت، ما تنها مقصر را سربازان اسرائیلی بدانیم و هر دوی آن دو یعنی پسر و راننده را در جایگاه قربانیان موقعیت ببینیم. دعوای‌های بین پسر و راننده به درستی مانند یک دعوی کودکانه کارگردانی شده‌اند؛ دعوایی که می‌دانیم کاملاً در سطح است و در عمق آن، یک ارتباط و دوستی عمیق وجود دارد. عصبانیت‌های پیرمرد راننده، ما را با عصبانیت‌های کاراکتر پدر در فیلم «آمازکورد» اثر فردریکو فلینی می‌اندازد. در آنجا نیز ما با آن عصبانیت‌های معصومانه، بیشتر و بیشتر عاشق پدر می‌شویم؛ زیرا عمق شخصیت پدر را درک کرده بودیم.

ریشه این میزان از دقت در کارگردانی و فیلم‌نامه، زیست شخصی فیلم‌ساز است. محمدالمقتی کودک یک جوان اهل غزه‌است که در لهستان تحصیل کرده و کاراکتر اصلی فیلم نیز جوانی غزه‌ای است که سعی دارد با داشتن کارت اقامت لهستان، از ایست و بازرسی عبور کند. احساس می‌کنم المقتی در زندگی خود، شاید حتی برای چندین بار، تجربه گیرکردن در ایست و بازرسی‌های اسرائیلی‌ها را داشته است. چنین زیستی موجب

این نگاه دقیق در روایت فیلم شده است.

پایان پرتقالی از یاقا، بهترین پایانی است که می‌توانم درباره این فیلم تصور کنم. چنین پایانی، تأییدی است بر تمام چیزی که تماشاگر در پرده دوم، نسبت به رابطه این دو نفر حس کرده‌است. دوستی پسر جوان و پیرمرد راننده به‌کمال خود رسیده‌است و راننده، پرتقالی از یاقا را با پسر نصف می‌کند…

هوش مصنوعی هنوز خیلی کار دارد

آخرین سانس پخش فیلم در بخش بین‌الملل جشنواره فیلم کوتاه تهران، اختصاص داشت به آثاری که با هوش مصنوعی ساخته شده بودند. با پیشرفت‌های اخیر هوش مصنوعی، برخی از امکان «نابودی» سینما با همه‌گیرشدن هوش مصنوعی سخن می‌گویند؛ اما این سانس و البته دیگر آثار تولیدشده با هوش مصنوعی نشان می‌دهد که هنوز چندین سال با جدی شدن استفاده از هوش مصنوعی فاصله داریم. هوش مصنوعی در حال حاضر چیزی است چند مرحله عقب‌تر از انیمیشن. کیفیت تصاویری که امروزه در انیمیشن‌ها می‌بینیم، بسیار بهتر و پیشرفته‌تر از تصاویر تولیدشده با هوش مصنوعی‌اند. می‌توان گفت هوش مصنوعی هنوز خیلی کار دارد تا حتی به کیفیت انیمیشن‌ها برسد؛ رسیدن به سطحی که بتوان یک فیلم سینمایی رئالیستی کامل را با آن تولید کرد که بماند. جدای بحث درباره کیفیت فنی هوش مصنوعی – که طبیعتاً با مرور زمان پیشرفت خواهد کرد- متقدم هوش مصنوعی هرگز نمی‌تواند به معنای واقعی جای «هنر» را بگیرد. هنر از نفس انسان برمی‌آید و صرفاً یک فرایند تکنیکی نیست. هوش مصنوعی هرچقدر هم که تکنیک را به کمال برساند، هرگز نمی‌تواند روح انسانی داشته باشد؛ لذا هوش مصنوعی همیشه صرفاً ابزاری در دست انسان خواهد ماند و نمی‌توان از او انتظار خلق مستقل اثر هنری را داشت. نگرانی‌ای برای «نابودی هنر» وجود ندارد.

جشنواره فیلم کوتاه

از نگاه رئیس سازمان سینمایی

راند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، در حاشیه بازدید از پردیس سینمایی ملت درباره رویکرد حمایتی سازمان سینمایی نسبت به سینمای کوتاه در دوران جدید گفت: «حضور در جمع خانواده سینمای کوتاه، مایه احساس خوشبختی است. وقتی انسان در این جو پر از شور و شوق قرار می‌گیرد، قطعا در معرض تسری این احساس قرار می‌گیرد که چقدر می‌توان سینمای کوتاه را مورد حمایت قرار داد. مهم است بدانیم چه می‌شود کرد تا شسور و نشاط جاری در این فضا به تمامی حوزه‌های سینما تسری پیدا کند.»

وی فیلم‌کوتاه را قلب تپنده سینمای ایران معرفی کرد و گفت: «فیلم‌کوتاه و انجمن سینمای جوانان ایران، به‌نوعی قلب تپنده سینمای ایرانند و وقتی شور و نشاط جاری در این فضا را می‌بینیم، می‌توانیم نتیجه بگیریم که حال سینما خوب است. ما بخش مهمی از آنچه به عنوان انتظارات در زمینه حمایت از فیلم‌کوتاه مطرح می‌شود را جزء وظایف سازمان سینمایی می‌دانیم و معتقدیم این دست‌توسعه‌ها ضمن استمرار باید گسترش هم پیدا کند.»

وی افزود: «کیفیت برگزاری جشنواره فیلم‌کوتاه تهران، بسیار بالاست. حضور جوانان و شور و شوقی که آنها دارند در کنار نگاه جشنواره به حوزه‌های جدید مانند هوش مصنوعی و واقعیت مجازی نشان می‌دهد جشنواره‌ای پیشرو در حال برگزاری است و یک رویداد زنده و پویاست.»